

«اطلاعیه»

کارگران انترناسیونالیست تحرکات ضد کارگری

محافل «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» را محکوم میکنند

سرق‌ت ادبی و باج‌خواهی سیاسی اعضای «بنیاد کار»

مدتی پیش اطلاعیه‌ای تحت عنوان «علی اعتمادی دیروز و نادر شکیبای امروز» با امضای «جمعی از کارگران مهاجر» که بریده‌ای از مقاله «اتحادیه مستقل کارگران ایران بروایت چپ» مندرج در نشریه پیک انترناسیونالیستی شماره ۳ و ۴ نیز ضمیمه آن بود بدست ما رسید. آنگونه که از مضمون اطلاعیه مزبور بر می‌آید، این کار اقدامی بوده جهت افشای تحرکاتی که تحت نام «اتحادیه مستقل کارگران ایران» و سپس «کانون مستقل کارگری» در صف اپوزیسیون رژیم اسلامی جریان دارد. در اطلاعیه «جمعی از کارگران مهاجر» ضمن اشاره به حرکت تا کنونی «کانون مستقل کارگری» و تعویض نام این تشکل آمده است:

«ما نوشته‌ای را که در آلمان در پیک انترناسیونالیستی شماره ۳ و ۴ تابستان ۱۳۷۷ در مورد ماهیت این حرکت انتشار یافته بود عیناً بازتکثیر کرده و این حرکت جدید را نیز دقیقاً ادامه حرکت گذشته آنان تحت نام «اتحادیه مستقل» میدانیم.» سپس نیز این عده در قسمت پایانی اطلاعیه خود اعلام میدارند که:

«ما به این آقایان هشدار میدهیم که چنانچه از این حرکت توهم پراکنی و ایجاد جو بی‌اعتمادی خود دست بر ندارند. نام اصلی این «رهبر» را با اعمال گذشته‌اش، چه قبل از زندان و چه در زندان و بعد از آن به اطلاع عموم می‌رسانیم.»

جملات پایانی این اطلاعیه شایسته تأمل است. این جملات حکایت از آن دارد که صادرکنندگان اطلاعیه مزبور شناخت نزدیکی از رقبای خود داشته و گذشته او را بطور کامل می‌شناسند. نکته قابل توجه این است که «جمعی از کارگران مهاجر» با اشاره به اطلاعاتشان از فعالیت‌های زندان و بعد زندان نادر شکیبای، یادآور شده‌اند در صورتی که وی به تحرکات خویش خاتمه ندهد هویت و اعمال او را افشاء خواهند نمود. به عبارت دیگر اگر فرد مورد نظر اینان به خواست «جمعی از کارگران مهاجر» پاسخ مثبت دهد، آنان دست به چنین کاری نخواهند زد.

این یک باج‌خواهی سیاسی است. چنین اقدامی ریشه در منافع و رقابت‌های شخصی دارد. به احتمال قریب به یقین، این کار حتی در همان مناسبات محفلی «بنیاد کار» نیز پنهان از دیده عده‌ای دیگر صورت گرفته است.

باج‌خواهی سیاسی و اقدامات باندى در يك جمع بناچار بر تبانى «دوستان نزديك به يكدیگر» استوار میشود. این «سنت» شامل «پیش‌کسوتان بنیاد کار» نیز گشته است. جمعی که نه بر پرنسیب‌ها و موازین سیاسی روشن و نه حول پلاتفرم و چشم‌انداز سیاسی، بلکه با اتکاء بر روابط شخصی و دوستی‌ها وارد میدان سیاست شده، قابلیت تبدیل شدن به هرچیزی را دارد.

«جمعی از کارگران مهاجر» به تحلیلی توسل جسته‌اند که نه فقط افشاگر «اتحایه مستقل»، بلکه در عین حال نقد تفکر بورژوازی اتحادیه‌گرایی نیز می‌باشد. اینان اما به شیوه یک سارق سیاسی، با برش و مونتاژ قسمت‌هایی از بحث که ناظر بر مشخصات صوری «اتحادیه مستقل» است، کوشیده‌اند تا از آن در راه اهداف خود سود جویند.

بدنبال این واقعه «کانون مستقل کارگری» در مقاله‌ای تحت عنوان «چند سؤال از بنیاد کار» ضمن اشاره سرپیسته به تهدیدها و اطلاعیه مزبور، تعدادی از اعضای «بنیاد کار» را مسئول چنین اقدامی قلمداد کرد. «کانون مستقل کارگری» متقابلاً، در کمال خونسردی و آرامش، پاسخ صادرکنندگان اطلاعیه مزبور را به زبان مشابهی داد. نویسنده مقاله «چند سؤال از بنیاد کار» با افشای ضمنی تماس نزدیک عضو بنیاد کار با رهبری خانه کارگر، وی را از بکارگیری «فرهنگ حذف» برحذر داشت.

«جمعی از کارگران مهاجر» چه کسانی هستند؟

از آنجا که «جمعی از کارگران مهاجر» با استناد به بریده‌ای از نقد افشاگرانه پیک انترناسیونالیستی به مقابله با طرف مقابل خود رفته، ما برآن شدیم تا پیش از هر واکنشی، به هویت سیاسی صادرکنندگان این اطلاعیه دست یابیم. پس از تماس یکی از رفقای ما با یکی از اعضای «بنیاد کار» یدالله خسروشاهی در تماسی با رفیق ما اشاره کرد که اطلاعیه «جمعی از کارگران مهاجر» بوسیله یک فرد هوادار تشکیلات کارگران انترناسیونالیست در انگلستان و مشورت با او نگاشته و انتشار یافته است. خسروشاهی همچنین افزود که وی مخالف صدور چنین اطلاعیه‌ای بود، اما در هر حال اینکار صورت گرفته است. فرد معرفی شده از طرف خسروشاهی اما، چنین چیزی را از اساس کذب دانسته و در پاسخ به سؤال ما کتبا نوشت که:

«من آخرین باری که آقای خسروشاهی را بطور ناخواسته و آنهم در یک «صف» به مدت کمتر از دو دقیقه دیدم، حدود دو سال پیش بود و دیدارمان هم با یک سلام خشک و خالی بی‌پایان رسید..... من از اطلاعیه مزبور هیچ خبری ندارم و هرکسی که چنین ادعایی کند یک شارلاتان است.»

اگر چه یدالله خسروشاهی حاضر نشد تا شخصاً مسئولیت این اقدام را بعهده گیرد، اما وقایع بعدی بویژه توضیحات فرد دیگری از اعضای کانون در مطلبی تحت عنوان «بساط امروز و دیروز تفاوت در نام» حاکی از آن است که این فرد خود مستقیماً و شخصاً در اقداماتی که تحت عنوان «اتحادیه مستقل کارگران ایران»

صورت گرفته همکاری داشته و واسطه میان این حرکت و چند سازمان چپ بوده است. مروری بر جدل میان اعضای «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» از یکسو و توضیح یدالله خسروشاهی، دلالت بر این حقیقت دارد که سرقت ادبی و باج‌خواهی سیاسی، ریشه در مناسبات باندى بنیاد کار دارد. کلیه شواهد حاکی از آن است که یدالله خسروشاهی و نزدیکان وی در «بنیاد کار» کوشیده‌اند تا جهت پیشبرد اهداف رقابت‌جویانه خود در پس امضای «جمعی از کارگران مهاجر» پنهان شوند. و البته اینگونه اعمال ناپسند در نزد اینان عین «فعالیت کارگری» است.

«بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» تشکلهایی ضد کمونیستی هستند

هر کس که نقد ما به «اتحادیه مستقل» و جایگاه تاریخی فعالیت اتحادیه‌ای در ایران را خوانده و شناختی نیز از تجمع «بنیاد کار» داشته باشد میدانند که میتوان براحتی در آن مقاله، جای نام «اتحادیه مستقل» را با نام «بنیاد کار» عوض کرد. صرف نظر از نکات مربوط به مشخصات صوری این تشکلهای، نظرات پایه‌ای مطرح در نقد «اتحادیه مستقل کارگران ایران» یا «کانون مستقل کارگری» فعلی شامل فعالیت‌های «بنیاد کار» نیز میباشد.

از همین رو نیز ما ضمن تأکید مجدد بر صحت تحلیل و موضع کمونیستی در قبال تحركات ضد انقلابی «اتحادیه مستقل» سابق و «کانون مستقل کارگری» فعلی، اقدام ناپسند «بنیاد کار» را محکوم میکنیم. هدف چنین اقدامی، از میدان بدر کردن «رقیب» جهت کسب امتیاز در جنبش اصلاح‌طلبی داخل ایران میباشد. این وقایع همانند رقابت گرایشاتی از منشعبین حزب توده و تواین سابق گرد حزب اسلامی کار با محافلی دیگری از طرفداران «توسعه»، انعکاسی از تشتت بورژوازی و جناح‌های هوادار آن در میان کارگران است.

کانون و بنیاد، تشابهات و تمایزات

هر فرد با آگاهی متوسط اجتماعی، در نیم‌نگاهی به انتشارات «کانون مستقل کارگری» و «بنیاد کار» در مییابد که تشابهات و اشتراکات این دو حرکت بیش از اختلافات و تمایزاتشان است. نمای بیرونی انتشارات و اظهارات هر دو تشکل حاکی از آن است که عده‌ای «کارگر» بدور از اهداف یا پلاتفرم سیاسی روشنی میکوشند تا اعتراضات کارگری داخل ایران را تقویت سازند. مشاهده گفته‌ها و بریده‌های نشریات کارگری داخل و اخبار روزنامه‌های جناح‌های طرفدار اصلاحات و توسعه در لابلای انتشارات درهم و برهم این عده، یک ناظر خارجی را متقاعد میسازد که اینان شاید «بدلیل نداشتن استراتژی و چشم‌انداز سیاسی مشخص» گهگاه بطرز خطرناکی دست به «اقدامات ناسنجیده زده» و با جناح‌های رژیم اسلامی و محافل حول و حوش خانه کارگر همسویی میکنند. یک ناظر خارجی غیرمسلح به نگرش مارکسیستی، ممکن است که حتی از این

روش «فعالیت خودبخودی» این «کارگران» تاسف نیز بخورد. این تصویر اما صوری و غیر واقعی است. این همان چیزی است که سازماندهندگان اصلی «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» در پی آن هستند. اگرچه هر دو تشکل از ارائه هرگونه پلاتفرم سیاسی خودداری ورزیده و در نوشته‌هایشان خود را چپ قلمداد نمیکنند، اما در پس این تشکل‌ها کادرهای سیاسی سابق برخی از سازمانهای چپ ایران قرار دارد. فعالین این دو تشکل به همان میزان کارگر هستند که بسیج کارخانه و اعضای انجمن اسلامی و کادرهای حزب توده در کارخانجات کارگر بوده‌اند. هر دو تشکل دارای اهداف سیاسی بسیار سنجیده‌ای بوده و از سنت سیاسی مشخصی دفاع میکنند. تلاش و همسویی این تشکل‌ها برای پیشرفت استراتژی «سیاست‌زدایی» در جنبش کارگری در پوشش‌های مختلف، خود سیاسی‌ترین اقدام بورژوازی در مقابله با اعتراضات کارگری در ایران است. هر دو تشکل در جهت استراتژی واحدی حرکت کرده و یا هدایت میشوند. اما در شیوه و سنن موجود در این استراتژی اختلاف دارند. یکی طرفدار وارد کردن و «تزیق فرهنگ اتحادیه‌ای به جامعه کارگری»، کنترل از بالا و پیشبرد اهداف مشخصی در این مسیر است و دیگری اعتقاد به رشد چنین فرهنگی در درون حرکات کارگری داشته و سنت «اصیل کارگری» را به شیوه دیگری پیش میبرد. سنتی که در تاریخ نظری جنبش کارگری اروپا در یک جمله خلاصه شده است: جنبش موجود همه چیز، هدف هیچ چیز. مهم نیست که این محافل چگونه به این جهت‌گیری رسیده‌اند. در نزد فدایی اکثریت، در مکتب حزب کمونیست کارگری، یا در دانشگاه‌های لاجوردی در زندان جمهوری اسلامی. مهم جایگاه تاریخی و کارکرد این سنت در «استراتژی سیاست‌زدایی جنبش اصلاح‌طلبی» در ایران است. بخش غالب نوشته‌ها، انتشارات و جهت‌گیری هر دو تشکل مبتنی بر نشریات یا اخبار «مسائل صنفی کارگری» در داخل ایران است. سازماندهندگان اصلی هر دو تشکل مخالف دخالت سازمانهای سیاسی و اعمال هژمونی سازمان سیاسی بر «حرکت صنفی» کارگران هستند. «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» وارثین مفلوک یک تاریخ مشترک هستند. یک تاریخ مبارزه علیه کمونیسم، علیه کارگر، تحت نام کمونیسم و کارگر. امروز اما اینان در تلاقی جنبش اصلاح‌طلبی داخل و سازمانیابی مبهم محافلی از زندانیان سابق در گرد حزب کار اسلامی به چنین منجلاب سیاسی در غلطیده‌اند. اقدام اعضای «بنیاد کار» در باج‌خواهی سیاسی از رقیبانشان با سوءاستفاده از مباحث کمونیستی شرم‌آور است. توسل به نقد و منطق کمونیستی، بوسیله فعالین کارگری سابق چپ متمایل به سوسیال‌دمکراسی، حتی با فرضیه عقب‌راندن محافل وابسته به جناح‌های حزب کار اسلامی و خانه کارگر، یک عمل ناپسند است. تشکیلات کارگران انترناسیونالیست تحرکات ضد کارگری «بنیاد کار» و «کانون مستقل کارگری» را محکوم میکند.

فروردین ۱۳۸۱

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست